

## اثر فساد اقتصادی بر نابرابری توزیع درآمد

مهدی ادیب پور<sup>۱</sup>، آزاده محمدی ویایی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۷

### چکیده

یکی از مهمترین اهداف مورد نظر دولت‌ها و سیاست‌گذاران نظام اقتصادی تلاش در جهت توزیع مطلوب درآمد و کاهش نابرابری درآمدی است. مقاله حاضر به بررسی اثر فساد اقتصادی بر ضریب جینی به عنوان شاخص نشان دهنده توزیع درآمد در دو گروه از کشورهای با درآمد بالا شامل آلمان، فرانسه، ایتالیا، کانادا، ژاپن و با درآمد متوسط شامل ایران، ترکیه، هند، مالزی و چین، در دوره زمانی (۲۰۰۰-۲۰۱۲) می‌پردازد. نتایج حاصل از برآورد الگوی داده‌های تلفیقی نشان می‌دهد که فساد تاثیر مثبت و معناداری بر ضریب جینی دارد. بدین معنا که با افزایش فساد اقتصادی در هر دو گروه از کشورها نابرابری اقتصادی افزایش خواهد یافت. افزون بر این اثر رشد اقتصادی بر نابرابری درآمد در کشورهای با درآمد بالا منفی و برای کشورهای با درآمد متوسط مثبت است. مالیات نیز تاثیر منفی بر نابرابری درآمدی بر جای گذاشته در حالی که بیکاری موجب افزایش نابرابری درآمدی می‌شود.

طبقه بندی JEL: O11, O55, K42.

واژگان کلیدی: فساد، توزیع درآمد، نابرابری.

<sup>۱</sup> استادیار گروه اقتصاد، واحد فیروزکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزکوه، ایران (نویسنده مسئول):

Email: Mhd\_adibpour@yahoo.com

Email: Azade\_mohammadi18@yahoo.com

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد علوم اقتصادی

## مقدمه

فساد مالی پدیده‌ای پیچیده، چند بعدی، دارای علل متفاوت و آثار و پیامدهای چندگانه‌ای است که در شرایط مختلف نقش و نمودهای متفاوتی پیدا می‌کند. بنا به اهمیت و نقش بارز معضل فساد و تاثیرگذاری آن بر ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی طی سال‌های اخیر گرایش محققان به انجام مطالعاتی درخصوص علل و پیامدهای خرد و کلان فساد مالی بیشتر شده است. فساد و مبارزه با آن در بسیاری از کشورهای جهان به عنوان یک مساله اساسی مورد نظر است. لازم به ذکر است که بخشی از فساد موجود در جامعه به اقدامات دولت در اقتصاد مربوط می‌شود که شامل محدودیت‌های تجاری، یارانه‌های صنعتی، کنترل قیمت‌ها، نرخ‌های چندگانه ارز، دستمزدهای پایین در خدمات دولتی، تجاری و توزیع درآمدهای حاصل از منابع طبیعی مانند نفت است. فساد اقتصادی پیامدهایی را برای اقتصاد و جامعه به همراه دارد و سبب کاهش سرمایه‌گذاری و کندی رشد اقتصادی می‌شود. در نتیجه کاهش فساد و مبارزه با آن در بسیاری از کشورهای جهان به عنوان یک مسئله اساسی مد نظر سیاستگذاران قرار دارد. فساد مالی فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و اقتصادی را از شکل مولد آن به سوی رانت‌ها و فعالیت‌های زیرزمینی سوق می‌دهد و بر نابرابری درآمد و افزایش فقر موثر است. نابرابری بالانیز رشد اقتصادی را کاهش داده که در مقابل موجب افزایش فقر خواهد شد. توزیع درآمد از طریق چهار کفاله اساسی شامل پس‌انداز، اقتصاد سیاسی، بازار مالی ناقص و آشفتگی اجتماعی بر رشد اقتصادی تأثیرگذار است. بررسی نحوه تعامل فساد اقتصادی و نابرابری درآمدی نشان می‌دهد رابطه متقابل و دو طرفه بین آنها وجود دارد. در میان فرضیه‌های مطرح در زمینه رشد، فرضیه کوزنتس (۱۹۵۵) به عنوان یک پایه تئوریک مطرح می‌شود. کوزنتس بیان می‌کند که در سطوح پایین توسعه اقتصادی، نابرابری درآمد با افزایش درآمد سرانه افزایش می‌یابد و بعد از گذشت مراحل از توسعه، نابرابری درآمد کاهش می‌یابد.

آنچه امروزه در سطح گسترده‌ای مورد توجه قرار دارد، نیاز به رشد اقتصادی مداوم است. در خلال رشد اقتصادی آنچه عمدتاً از آن غفلت شده نابرابری درآمد است. موضوع نابرابری توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای پیشرفته از پیچیدگی و حساسیت بیشتری برخوردار است، در کشورهای در حال توسعه، مساله عمده رسیدن به میزان تولید و نرخ رشد اقتصادی بالاتر است و در نتیجه توجه کافی به مساله توزیع درآمد معطوف نمی‌شود. با توجه به اهمیت موضوع فساد و نابرابری توزیع درآمد، در این مقاله سعی شده به این پرسش که آیا فساد اقتصادی بر توزیع نابرابری درآمد تأثیر گذار است یا خیر پاسخ داده شود. بدین منظور این وضعیت در دو نمونه از کشورهای با درآمد بالا و کشورهای با درآمد متوسط (در حال توسعه) مورد توجه قرار گرفته است. در همین راستا مقاله حاضر در پنج بخش سازماندهی شده و پس از مقدمه، در بخش دوم به ادبیات موضوع پرداخته شده و بخش سوم نیز به مروری بر برخی از پژوهش‌های پیشین اختصاص یافته است. در بخش چهارم ضمن معرفی الگوی تحقیق و متغیرها، نتایج برآورد مدل ارائه شده است. بخش پنجم نیز در بردارنده پیشنهادها و تحقیق است.



## ۱. ادبیات موضوع

فساد عارضه ای است که اغلب از کنش متقابل دولت و اقتصاد بازار سر چشمه می‌گیرد، بویژه اگر خود دولت نیز به ناچار نقشی درون زا برعهده داشته باشد. در اکثر مباحثی که فساد را به عنوان یک رابطه خاص حکومت و جامعه تعریف می‌کند، نقش حکومت کاملاً آشکار است. بطور کلی فساد مالی و اقتصادی ریشه در فعالیت‌های دولت، بویژه قدرت انحصاری و نفوذ و اختیارات آن دارد. دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی باعث می‌شود که این نهاد در بسیاری از موارد نقش تولیدکننده یا توزیع کننده کالاها را داشته باشد. به طور معمول دولت به بسیاری از فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی بارانه قابل توجهی اختصاص داده و کسب رانت می‌تواند منافع سرشاری داشته باشد. تعریف کارکردی فساد که توسط بانک جهانی، سازمان بین المللی شفافیت مالی و مراجع دیگر ارایه شده، عبارت است از « سوء استفاده از قدرت عمومی برای کسب منافع خصوصی» (بانک جهانی ۲۰۰۴). بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که پدیده فساد بیش از همه در میان کشورهای فقیر و در حال توسعه رواج دارد و مانعی عمده بر سر راه توسعه در این کشورهاست (بانک جهانی ۲۰۰۰). کشورهای در حال توسعه از محیط مساعدی برای گسترش فساد برخوردارند. بنابراین در صورتی که تمهیدات لازم برای مبارزه با فساد در این کشورها اندیشیده نشود، زمینه‌های بروز فساد تقویت خواهد شد و به تبع همین مطلب، رشد و توسعه اقتصادی با خدشه مواجه خواهد شد.

فساد مالی بدلیل ماهیت خود از مسیرهای متعدد بر متغیرهای کلان اقتصادی اثر می‌گذارد. فساد مالی، گاهی به صورت معضل ساختاری سیاست یا اقتصاد و گاهی به صورت مسأله‌ای فرهنگی و اخلاقی فردی تلقی می‌شود و می‌تواند مشروعیت نظام را به خطر بیندازد (دادگر، ۱۳۸۳). بررسی علل و عوامل فساد مالی در علم اقتصاد به حدود نیم قرن پیش باز می‌گردد یعنی زمانی که اقتصاددانان موضوع رانت‌جویی را مطرح کردند و فعالیت‌های رانت‌جویی غیر قانونی فساد مالی نامیده شد (صامتی و همکاران، ۱۳۸۶). البته ریشه‌های مفسد مالی و اقتصادی که معمولاً در همه‌جا یکسان است، در فساد دولتی نهفته است که خود ناشی از دولت‌های بزرگ با قدرت زیاد برای توزیع منافع بین گروه‌های مختلف است. با پایان جنگ جهانی دوم، بسیاری از کشورهای جهان سوم موفق به کسب استقلال سیاسی شدند. در کشورهای در حال گذار اقتصادی (از اقتصاد بسته و دستوری به اقتصاد بازار آزاد) فرصت‌های بی‌شماری برای دستیابی به سودهای کلان و ثروت‌های باد آورده (رانت‌های مختلف) ایجاد شده و شبکه‌های فساد سازمان‌یافته سابق جای خود را به شبکه‌های فساد آشفته داده است. ایجاد زمینه برای دستیابی سودهای کلان و ثروت‌های بادآورده بر اثر سوء استفاده از قوانین و مقررات دولتی، خود بستر مناسبی برای رشد فساد مالی و اقتصادی فراهم کرده است. با تفویض اختیار تخصیص و تقسیم این منابع به مقامات و مأموران دولتی، بازار فساد و رشوه رونق می‌یابد. شیوع فساد مالی در کشورهای در حال



توسعه و در حال گذرا به اقتصاد بازار آزاد نیز به علت فراهم بودن زمینه برای فساد مالی در این کشورهاست. علاوه بر اینکه انگیزه قوی کسب منافع و فقر و دستمزدهای ناچیز دولتی و خطراتی که از این جهت متوجه افراد می‌شود، در این کشورها بالاست و مردم عموماً بسیاری از ساز و کارهای مقابله با خطرات موجود در کشورهای توسعه‌یافته (از جمله بیمه و یک بازار کار وسیع) محروم هستند.

فساد مالی و اقتصادی نیز از طرق مختلفی بر اقتصاد و متغیرهای اقتصادی تاثیر گذار است. فساد مالی، روند کار بازارها و تخصیص منابع را مختل می‌کند. افزون بر این توان دولت را برای وضع مقررات کنترلی و نظارت‌های مورد نیاز برای اصلاح نقایص بازار کاهش می‌دهد. در صورتی که دولت نتواند نقش نظارتی خود را در اقتصاد ایفا کند، بی‌تردید بخشی از فلسفه وجودی خود را از دست می‌دهد. از طرف دیگر، چنانچه دولت یا دولت‌مردان برای سوء استفاده و با هدف منافع در امور دخالت کنند، مانند ایجاد انحصارات دواتی برای منافع شخصی، خودبه‌خود بر میزان مشکلات و کاستی‌ها افزوده می‌شود (زال‌پور و همکاران، ۱۳۸۱). فساد مالی باعث کاهش درآمدها و افزایش هزینه‌های دولتی می‌شود که در پی آن کسری بودجه دولت افزایش می‌یابد و دولت نمی‌تواند برنامه‌ریزی مالی جامع و درستی داشته باشد. فساد مالی نابرابری در درآمدها را نیز افزایش می‌دهد؛ زیرا به افرادی که موقعیت مناسبی برای سوء استفاده و رشوه‌خواری دارند، امکان می‌دهد به قیمت ضایع کردن حقوق دیگران، به تأمین منافع خود بپردازند. شواهد و مدارک محکم نشان می‌دهد که بخشی از تغییرات توزیع درآمد در سال‌های اخیر به‌ویژه در کشورهایی که پیش از این دارای اقتصاد متمرکز بوده‌اند ناشی از خلاف قانون و مفاسدی نظیر خصوصی‌سازی است (زال‌پور و همکاران، ۱۳۸۱). فساد، موجب از بین رفتن انگیزه کارآفرینی می‌شود؛ چرا که افراد توانمند و خلاق در فضایی که فساد مالی زیاد باشد، ترجیح می‌دهند انرژی و توان خود را صرف کارهای خلاف و رانت‌جویی کنند و کمتر به فعالیت‌های سازنده و مؤثر روی آورند (دادگر و معصومی‌نیا، ۱۳۸۳). فساد مالی باعث می‌شود ترکیب مخارج دولت عوض شود؛ چراکه دولت‌های فاسد برای خدمات عمومی نظیر آموزش و پرورش و بهداشت کمتر هزینه می‌کنند و بخش قابل توجهی از سرمایه‌گذاری دولت به سمت فعالیت‌هایی سوق می‌یابد که پیچیده و پر هزینه بوده و کمتر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این امر باعث افزایش هزینه‌های عملیاتی و تعمیر و نگهداری نیز خواهد شد. فساد مالی با هزینه‌های رفاهی زیاد عمل می‌کند. در مواردی که فساد مالی به صورت متمرکز صورت نمی‌گیرد، ماهیت اتفاقی و تصادفی آن باعث می‌شود هزینه‌های فراوانی بر جامعه تحمیل شود؛ زیرا هزینه‌های جستجو و پیدا کردن فرد و یا افراد رشوه‌گیر نیز به هزینه‌های مذاکره و رشوه پرداخت شده افزوده می‌شود. وقتی فساد به صورت متمرکز نباشد، ممکن است تعهدهایی که با پرداخت رشوه حاصل شده، تحقق پیدا نکند (زال‌پور و همکاران، ۱۳۸۱). فساد، موجب افزایش فقر و بدبختی شده و سطح درآمد فقرا را کاهش می‌دهد. فساد مالی، موجب کاهش درآمدهای مالی دولت می‌شود؛ زیرا بر منابع کسب شده از طریق مالیات و گمرک اثر مستقیم دارد و دولت نیز نمی‌تواند با درآمد ناکافی از عهده وظایف خود برآید (زال‌پور و همکاران، ۱۳۸۱). فساد، الگوی مصرفی جامعه را از مصرف کالاهای داخلی به سمت مصرف کالاهای خارجی و

لوکس تغییر می‌دهد؛ چرا که ترکیب هزینه‌های مصرفی نشان می‌دهد که مصرف در سطح وسیعی، تحت تأثیر و کنترل و افزایش مصرف اقشار پردرآمد و ثروتمند جامعه است. الگوی توزیع نابرابر درآمد، منجر به الگوی مصرفی نامتعادل می‌شود. همچنین در جامعه‌ای که فساد و مصادیق آن گسترش یافته باشد، استعدادها و توانمندی‌های جامعه از تولیدات مفید و زیربنایی روی برگردانده و به سمت فعالیت‌ها و تولیدات زودبازده و مصرفی معطوف می‌شود و این خود جامعه‌ای مصرفی و وابسته را شکل داده و گسترش می‌دهد. نتیجه این نابسامانی‌ها، تغییر الگوی مصرفی و به‌نوعی تغییر فرهنگ اقتصادی در جامعه خواهد بود (دادگر و معصومی نیا، ۱۳۸۳). فساد مالی موجب می‌شود انگیزه سرمایه‌گذاری کاهش یابد. این کاهش انگیزه، هم بر سرمایه‌گذاری خارجی و هم داخلی اثر خواهد داشت. علت اصلی کاهش سرمایه‌گذاری، ناشی از هزینه‌های سنگین و عدم اطمینانی است که فساد مالی ایجاد می‌کند و کاهش نرخ رشد اقتصادی نتیجه مستقیم کاهش سرمایه‌گذاری است. از طرف دیگر، اعمال فاسد برای به‌دست آوردن مجوزهای سرمایه‌گذاری، انگیزه سرمایه‌گذاری را کاهش خواهد داد و بر کاهش سودآوری تولیدی نیز تأثیر گذار است. همچنین هنگامی که منافع عمومی که برای ساختن زیربنای تقویت‌کننده تولید و زیرساخت‌های اقتصادی در نظر گرفته شده، به مصارف خصوصی مدیران، سیاستمداران و مسئولین برسد، باعث خواهد شد که کارآفرینی کم شده و فعالیت‌های رانت‌جویانه گسترش یابند و این به نوبه خود، بر رشد اقتصادی نیز اثر منفی خواهد گذاشت (دادگر و معصومی نیا، ۱۳۸۳).

## ۲. مروری بر مطالعات تجربی

یکی از اولین مطالعات در زمینه ارتباط بین فساد و نابرابری درآمدی به مطالعه جانسون (۱۹۸۹) برمی‌گردد که بر اثر فساد بر حفظ و حتی افزایش نابرابری در توزیع درآمد اشاره دارد. از دیگر مطالعات مهم در این حوزه می‌توان به مطالعات لی و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) اشاره نمود که بر پایه مبانی نظری بسط داده شده توسط مورفی و همکارانش<sup>۳</sup> (۱۹۹۳) در خصوص رانت جویی و پیامدهای آن، به مدل سازی نحوه اثر گذاری فساد بر توزیع درآمد می‌پردازند. این محققان در مطالعات نظری به این نتیجه می‌رسند که در شرایطی که سطح فساد خیلی بالا یا خیلی پایین باشد، نابرابری در سطح پایینی خواهد بود و در صورتیکه سطح فساد متوسط باشد، نابرابری افزایش خواهد یافت. در واقع این نظریه مشابه منحنی کوزنتس<sup>۴</sup>، بر اثرات U شکل وارونه فساد بر نابرابری درآمد تأکید دارد، البته علیرغم این نظریه، آزمون تجربی انجام شده در خصوص این نظریه بر پایه اطلاعات و داده‌های آماری



کشورها تایید نگردیده است. گوپتا و همکارانش (۲۰۰۲)، در مطالعه ای دیگر بر بررسی علیت ارتباط از سوی فساد به نابرابری درآمدی می پردازند. محققان در مطالعه خود از نحوه و مکانیسم اثرگذاری فساد بر توزیع درآمد، به این نتیجه می رسند که ناکارآمدی در نظام مالیاتی و گریز مالیاتی در شرایط بروز و گسترش فساد موجب افزایش نابرابری خواهد گردید. همچنین عدم تخصیص و توزیع بهینه منابع به سمت بخش های آموزشی و بهداشتی و اختلال در روند اقتصاد بازار در صورت افزایش رانت و فساد نیز از دیگر دلایل گسترش نابرابری درآمدی هستند، درضمن، محققان برای آزمون تجربی این فرضیه که فساد عامل تاثیر گذاری بر نابرابری است از مطالعه اقتصادسنجی بر اساس داده های مقطعی ۷۳ کشور آفریقایی با لحاظ متغیر وابسته ضریب جینی و لحاظ شاخص فساد به عنوان متغیر توضیحی کنترلی استفاده می کنند و نتایج بدست آمده در کل تاییدی بر اثر معنی دار و مستقیم فساد بر ضریب جینی است. سانگ و کاگرام (۲۰۰۵)<sup>۲</sup>، در مطالعه ای تحت عنوان بررسی تطبیقی نابرابری و فساد برای ۱۲۹ کشور به آزمون علیت فساد و نابرابری درآمدی می پردازند، در کل مطالعه تجربی محققان ارتباط دو سویه بین نابرابری و فساد را تایید می نماید، با این حال، اثر گذاری نابرابری درآمدی بر فساد از معنی داری بالاتری برخوردار بوده است. ادس و دی تلا (۱۹۹۶)<sup>۳</sup>، در مقاله ای با عنوان مروری بر علل و پیامدهای فساد دستاوردهای تجربی به بررسی مشاهدات تجربی کشورها در مورد دلایل و نتایج فساد پرداخته اند. این مطالعه قصد دارد میزان حمایت اطلاعات آماری جدید را از مطالعات تجربی پیشین آزمون نماید و در نهایت به این نتیجه می رسد که فساد نه تنها باعث کاهش رقابت در بازار تولیدات و عدم استقلال قضایی می شود، بلکه اثر معکوسی نیز بر رشد اقتصادی به همراه خواهد داشت. گوپتا، داوودی و آلونسوترمی (۱۹۹۸)، در مطالعه ای با هدف بررسی ارتباط فساد با توزیع درآمد و فقر به این نتیجه رسیده اند که فساد بالا و فزاینده، نابرابری درآمد و فقر را تشدید می کند و رشد اقتصادی، کارایی نظام مالیاتی، کارایی مخارج دولتی و تشکیل سرمایه انسانی را کاهش می دهد. آلسینا و ودر<sup>۴</sup> (۱۹۹۹)، در مقاله ای با عنوان آیا دولت های فاسد کمک های خارجی کمتری دریافت می کنند؟ به منظور بررسی رابطه فساد با سرمایه گذاری مستقیم خارجی و کمک های خارجی، رگرسیونی برای مجموعه ای از ۹۰ کشور و در دوره زمانی (۱۹۹۵-۱۹۷۰) برآورد نموده و نتیجه گرفته اند که سرمایه گذاری مستقیم خارجی با سطح فساد موجود در کشور میزبان رابطه ای منفی و معنادار دارد. بلک برن و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۰۵)، با استفاده از یک مدل تعادل عمومی پویا به بررسی ارتباط رشد اقتصادی، رشوه و فرار مالیاتی

1. Gupta etal

2. Jong-sung and khagram

3. Ades and ditela

4. Alesina and veder

5. Blackburn





می‌پردازند. آنها معتقدند که فساد بوروکراتیک زمانی بروز می‌کند که کارگزاران خصوصی و عمومی از انگیزه کافی برای تبانی کردن به دور از دیدگان دولت برخوردار باشند. در نهایت این مطالعه ارتباط فساد و توسعه اقتصادی را منفی پیش بینی می‌کند. ترناوسکی (۲۰۰۸)، در مقاله ای تحت عنوان «شیوه جانشینی عوامل در نظریه رشد اقتصادی و توزیع درآمد» به بررسی این موضوع می‌پردازد که اگر چه تابع تولید کاب-داگلاس یک پایه منطقی برای تجزیه و تحلیل‌های کلی است، اما استفاده از تابع کاب-داگلاس در نظریه‌های رشد معاصر، ممکن است به نتایج انحرافی منجر شود. در این مقاله یک الگوی رشد نئوکلاسیک برای بررسی اثر بهره‌وری بر توزیع درآمد مورد بررسی قرار می‌گیرد و نتایج حاصل از حل الگو نشان می‌دهد که یک واحد افزایش در بهره‌وری بر بسته به این که کشش جانشینی، کوچکتر، مساوی یا بزرگتر از واحد باشد، سبب کاهش بیشتر، برابر یا کمتر از یک واحد در نابرابری درآمد می‌شود و حتی اگر کشش جانشینی به اندازه کافی بزرگ باشد، افزایش بهره‌وری نابرابری درآمد را افزایش می‌دهد. ابریشمی و همکاران (۱۳۸۴)، در مقاله ای تحت عنوان «بررسی رابطه رشد و توزیع درآمد در ایران» رابطه بین متغیرهای نابرابری و رشد اقتصادی را بر اساس آزمون علیت گرنجر و آزمون همگرایی یوهانسن یوسیلیوس در دوره زمانی (۱۳۵۰-۸۱) مورد بررسی قرار می‌دهند. نتایج حاصل از آزمون نشان می‌دهد که یک رابطه علی یکطرفه از سمت نابرابری درآمد به رشد اقتصادی وجود دارد. به عبارت دیگر تغییرات نابرابری، علت تغییرات در رشد اقتصادی است، اما بر اساس نتایج همین آزمون، رابطه علیت از سمت رشد اقتصادی به نابرابری را نمی‌توان پذیرفت. به علاوه این تحقیق با استفاده از اطلاعات سری زمانی و به کمک الگوی خود رگرسیون برداری و آزمون هم‌انباشتگی یوهانسن یوسیلیوس، رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای نابرابری و رشد را بر اساس الگوهای بازار کامل و ناقص سرمایه به دست آورده است. نتایج به دست آمده از آزمون نشان می‌دهد که افزایش نابرابری درآمد در بلندمدت سبب کاهش رشد اقتصادی می‌شود. صامتی و همکاران (۱۳۸۵)، در مقاله‌ای با هدف بررسی اثر آزادی اقتصادی بر فساد مالی، سلب آزادی اقتصادی از طریق دخالت بیش از حد دولت و نهادهای مرتبط را یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه ساز گسترش فساد مالی در سطح خرد (فساد اداری) و در سطح کلان (فساد سیاسی) می‌دانند. نتایج برآوردهای تجربی که با کمک روش داده‌های تابلویی برای ۷۳ کشور و طی دوره چهار ساله (۲۰۰۰-۲۰۰۳) انجام شده است، بیانگر اثر مثبت و معنادار سه جزء اصلی آزادی اقتصادی (ساختار قضائی و امنیت حقوق مالکیت؛ پول سالم؛ آزادی مبادله با خارجی‌ها) و اثر غیر معنادار دو جزء دیگر (اندازه دولت و قوانین و مقررات) بر فساد مالی است. علیزاده و فانی (۱۳۸۶)، در «بررسی

تأثیر فساد اداری بر توسعه انسانی جوامع» به تحلیل اطلاعات ۸۶ کشور که از طریق نمونه گیری تصادفی نظام‌مند برگزیده شده‌اند، پرداخته و چنین نتیجه گرفته‌اند که فساد تأثیر معناداری بر کاهش توسعه انسانی دارد و با اجزای آن به ویژه در کشورهای در حال توسعه ارتباط منفی دارد. پس از بیان مبانی نظری در بخش بعد الگوی تحقیق معرفی شده و نتایج حاصل از برآورد الگوی مورد نظر ارائه خواهد شد.

### ۳. تصریح مدل و ارایه یافته‌ها

در تحقیق حاضر سعی شده تا به میزان اثرگذاری فساد بر توزیع درآمد پرداخته شود که در بخش‌های قبلی مبانی نظری مربوط به آن ارائه شد. به همین منظور مدل نابرابری درآمدی بر اساس متغیرهای اصلی و کنترل، تصریح شده و برآورد می‌شود. مدل تصریح شده نابرابری درآمدی با لحاظ متغیرهای کنترلی و اصلی به صورت زیر است.

$$Gini = \alpha + \beta_1 Gdp\text{growth} + \beta_2 corrupt + \beta_3 unemployment + \beta_4 tax + \varepsilon \quad (1)$$

که در رابطه فوق Gini ضریب جینی به عنوان شاخص نشان دهنده توزیع درآمد، Gdpgrowth رشد سالانه تولید سرانه، Corrupt شاخص کنترل فساد، Unemployment نرخ بیکاری و Tax نیز سهم مالیات از درآمد ملی است. بر اساس مدل فوق الذکر و طبق مبانی نظری و تجربی ارائه شده انتظار بر این است که با افزایش سطح فساد مالی و اقتصادی، سطح نابرابری در جامعه افزایش یابد، افزایش نرخ بیکاری، تأثیر مستقیم بر افزایش نابرابری درآمدی خواهد داشت و بالعکس، با افزایش سهم مالیات از درآمد ملی انتظار بهبود وضعیت توزیع درآمد و کاهش سطح نابرابری وجود دارد. افزون بر این انتظار بر آن است که با افزایش رشد اقتصادی در کشورهای توسعه یافته از نابرابری درآمدی کاسته شده و در کشورهای در حال توسعه بر میزان آن افزوده شود. لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر دو گروه از کشورها شامل کشورهای توسعه یافته (با درآمد بالا) آلمان، کانادا، فرانسه، ایتالیا، ژاپن و کشورهای در حال توسعه (با درآمد متوسط) شامل ایران، ترکیه، هند، ملزی، چین در دو الگوی جداگانه در نظر گرفته شده‌اند و دوره زمانی تحقیق نیز دوره زمانی (۲۰۱۲-۲۰۰۰) است. همچنین آمارها و اطلاعات از منبع رسمی و مراجع بین المللی نظیر بانک جهانی، سازمان بین المللی شفافیت، جمع آوری شده‌اند.

به منظور تخمین معادله مورد اشاره در فوق، ابتدا لازم است نوع روش تخمین جهت نوع داده‌های ترکیبی - مقطعی مشخص گردد. برای تعیین وجود (یا عدم وجود) عرض از مبدا جداگانه برای هر یک از کشورهای با درآمد بالا و نیز کشورهای در حال توسعه از آزمون F استفاده شد. آماره F محاسبه شده طبق جدول شماره (۱) برای کشورهای درآمد بالا برابر ۱۷/۰۸ بدست آمد و برای کشورهای با درآمد متوسط نیز به میزان ۱۴۳/۵۳





محاسبه شد که با توجه به مقادیر بحرانی F نتایج دال بر رد فرضیه صفر (یعنی حداقل مربعات معمولی) است و بنابراین الگوی رگرسیونی برای هر دو گروه از کشورها مدل پنل خواهد بود.

جدول ۱. نتایج آزمون F برای دو گروه از کشورها

گروه کشورها	آماره F	سطح احتمال
با درآمد بالا	۱۷/۰۸	۰
با درآمد متوسط	۱۴۳/۵۳	۰

منبع: محاسبات تحقیق

در مرحله بعدی باید به بررسی این مطلب پرداخت که آیا مدل‌های پنل با بهره‌گیری از روش اثرات ثابت برآورد شوند یا اثرات تصادفی. بدین منظور آزمون هاسمن برای هر دو گروه از کشورها به انجام رسید که نتایج آن در جدول (۲) قابل ملاحظه است. همانگونه که مشاهده می‌شود با توجه به اینکه مقدار احتمال بدست آمده برای آزمون هاسمن برابر با صفر بدست آمده است، فرضیه صفر مبنی بر استفاده از روش اثرات تصادفی رد می‌شود. بنابراین روش اثرات ثابت برای تخمین مدل مربوط به هر دو گروه از کشورها پذیرفته می‌شود. نتایج حاصل برآورد الگوی تحقیق برای دو گروه از کشورها در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون هاسمن برای دو گروه از کشورها

گروه کشورها	$\chi^2$ آماره	احتمال
با درآمد بالا	۶۸/۳۵	۰
با درآمد متوسط	۵۷۴/۱۵	۰

منبع: محاسبات تحقیق

جدول ۳. برآورد الگوی اثرات ثابت برای ۲ گروه از کشورها

کشورهای با درآمد متوسط		کشورهای با درآمد بالا		متغیرها
آماره t	ضرایب	آماره t	ضرایب	
-۱۰/۳۸	-۲۱/۷۸	-۴/۶۵	-۴۰/۶۰	C
۴/۲۰	۲/۷۳	-۲/۵۷	-۵/۴	Gdpgrowth
۵/۳۶	۱/۷۰	۱/۹۹	۱/۶۶	Corrupt
-۰/۱۲	-۳/۶۴	-۳/۸۷	-۱/۰۹	Tax
۱۲/۱۵	۳/۴۷	۱۲/۰	۶/۵۳	Unemployment
-	۰/۹۶	-	۰/۸	R <sup>2</sup>
-	۰/۹۶	-	۰/۷۷	Adjusted R-squared

منبع: محاسبات تحقیق

همانگونه که مشاهده می‌شود نتایج بدست آمده نشان می‌دهند تمام ضرایب از علائم مورد انتظار برخوردار هستند و از لحاظ آماری نیز کلیه متغیرها به جزء درآمدهای مالیاتی در کشورهای در حال توسعه در سطح معنی داری قابل قبول گزارش شده‌اند. ضریب تعیین مدل نیز در حدود ۰/۸ درصد برای کشورهای با درآمد بالا و نیز ۰/۹۶ درصد برای کشورهای با درآمد متوسط برآورد شده که بیانگر برازش مناسب مدل بوده، و متغیرهای مورد استفاده در مدل از قابلیت‌های توضیح دهنده بالایی برای شاخص ضریب جینی برخوردار می‌باشند.

در مجموع نتایج بدست آمده از برآورد الگوی توزیع درآمد در خصوص متغیر اصلی فساد مالی تاکید بر اثر معنی دار و مثبت فساد مالی بر ضریب جینی در هر دو گروه از کشورها دارد، به گونه‌ای که افزایش یک واحدی شاخص فساد در کشورهای درآمد بالا به طور متوسط ۱/۶۶ واحد و در کشورهای در حال توسعه به طور متوسط ۱/۷ واحد ضریب جینی آنها را افزایش می‌دهد. ضریب مربوط به رشد اقتصادی نیز در کشورهای در حال توسعه موجب افزایش نابرابری شده در حالی که در کشورهای توسعه یافته نابرابری درآمدی را کاهش می‌دهد و



این نتایج تایید کننده منحنی u شکل کوزنتز است، بدین ترتیب که در مراحل اولیه توسعه نابرابری درآمدی افزایش یافته و سپس با کاهش مواجه می‌شود. با افزایش بیکاری نیز در هر دو گروه از کشورها نابرابری درآمدی افزایش خواهد یافت و از نظر آماری این اثرات معنادار است. ضریب مربوط به مالیات برای کشورهای توسعه یافته مثبت و معنادار است، اما برای کشورهای در حال توسعه با وجود علامت مثبت آن از نظر آماری غیر معنادار است. دلیل غیر معنادار بودن ضریب مالیات را می‌توان فقدان برنامه‌های راهبردی جهت اخذ مالیات و فرار مالیاتی بسیار زیاد در کشورهای در حال توسعه ذکر نمود که موجب می‌شود اخذ مالیات تاثیر معناداری بر نابرابری درآمدی نداشته باشد.

#### ۴. نتایج و توصیه‌های سیاستی

بررسی اثرات فساد مالی و اقتصادی بر نابرابری درآمدی مهمترین هدف این مقاله است که بر اساس الگوی درآمد مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. در خصوص فرضیه تحقیق نیز نتایج برآورد مدل بیانگر تایید فرضیه می‌باشد و نشان می‌دهد که با کاهش فساد در بین کشورها وضعیت توزیع درآمدی این کشورها نیز بهبود خواهد یافت. زیرا فساد در کشورهای توسعه یافته به مثابه نیرویی است که به عملکرد مناسب بازارها آسیب می‌رساند و سبب کاهش سرمایه‌گذاری و از این رهگذر موجبات کاهش رشد اقتصادی را فراهم می‌آورد. در واقع فساد می‌تواند به عنوان امتیاز و ابزاری در دست گروهی از افراد جامعه تلقی شود که با استفاده از این ابزار غیر قانونی، می‌توانند به سهولت مجوزها و امتیازات مختلفی را کسب نمایند و از طریق رشوه و رانت به سودهای کلان غیر قانونی برسند که همین امر نیز موجب افزایش شکاف طبقاتی در جامعه خواهد شد. انحراف در تخصیص منابع ملی و عمومی به سوی منافع گروهی و فرد در کنار فرار مالیاتی نیز از دیگر پیامدهای گسترش فساد و رانت در جامعه می‌باشد که حاصل آن افزایش تبعیض و نابرابری درآمدی و عدم توزیع برابر و عادلانه امکانات و منابع ملی خواهد بود. همانگونه که از نتایج تحقیق بدست آمده در الگوی تصریح نابرابری درآمد، فساد در کشورهای مذکور تاثیری مثبت و معنی داری بر ضریب جینی به عنوان شاخص نشان دهنده نابرابری توزیع درآمد داشته است؛ به این دلیل که قوانین و مقررات ناکارآمد در کشورها به عنوان مانعی برای تامین مالی بنگاهها عمل می‌کند و همین قوانین و مقررات ناکارآمد یک قدرت انحصاری ایجاد می‌کند و سبب تقاضای رشوه و رانت می‌شود. بنابراین فرضیه مربوط به ارتباط مثبت و معنی دار میان فساد و توزیع درآمد را نمی‌توان رد کرد، لذا کاهش فساد در بهبود نابرابری توزیع درآمد نقش بسزایی خواهد داشت. بر اساس نتایج تحقیق رشد اقتصادی و افزایش سهم درآمدهای مالیاتی و بهبود وضعیت اشتغال موجب کاهش شکاف طبقاتی و توزیع بهتر و عادلانه تر درآمدها و ثروت خواهد شد از این رو می‌توان ادعان داشت کشورهایی که رشد اقتصادی بالایی را تجربه می‌کنند بهبود تولید و بهره‌وری را سرلوحه سیاست‌های خود قرار داده‌اند که حاصل آن افزایش سطح رفاه عمومی جامعه خواهد

بود و در بلند مدت رشد اقتصادی به افزایش سطح رفاه جامعه و کاهش نابرابری‌های درآمدی منتهی خواهد شد، اما در کشورهای با درآمد متوسط (در حال توسعه) همانگونه که بر اساس فرضیه کوزنتس ذکر گردید این کشورها چون مسیر توسعه را طی می‌کنند و مساله عمده رسیدن به میزان تولید و نرخ رشد بالاتر می‌باشد لذا افزایش رشد اقتصادی در مراحل اولیه منجر به افزایش نابرابری توزیع درآمد گردیده است. همچنین جلوگیری از فرار مالیاتی و تدوین برنامه راهبردی و دقیق جهت اخذ مالیات موجب خواهد شد تا درآمدهای دولت افزایش یابد و دولت قادر باشد از طریق تولید کالاهای عمومی و نیز توزیع مجدد درآمدها به بهبود وضعیت درآمدی عموم جامعه کمک نماید. افزون بر موارد فوق افزایش در بیکاری از طریق افزایش شمار تعداد افراد کم درآمد به تشدید نابرابری در توزیع درآمد کمک می‌کند. بیکاری موجب می‌شود درآمد گروه‌های پائین درآمدی (که دارای تنها منبع درآمدی یعنی عرضه نیروی کار خود هستند) کاهش یابد. افزایش بیکاری منجر به پراکندگی درآمدها در جامعه می‌شود در این صورت بیکاری از عوامل تشدید کننده نابرابری درآمد در جامعه به شمار خواهد آمد. بنابراین با کاهش بیکاری و اجرای سیاست‌های اشتغالزایی، دستمزدها و رفاه عمومی افزایش خواهد یافت و به کاهش فاصله طبقاتی و نیز به ساختار توزیع درآمد کمک خواهد نمود.

با توجه به موارد مطرح شده اجرای سیاستها و راهبردهای مبارزه و کنترل فساد تا حد زیادی بر بهبود وضعیت درآمدی و رفاهی سطح جامعه اثر گذار خواهد بود با این حال برای کاهش شکاف طبقاتی در کشورها سیاست‌های زیر پیشنهاد می‌گردد:

- ۱- ریشه کنی فساد و شناسایی ریشه‌های گسترش فساد و مبارزه جدی با این معضل.
- ۲- اصلاح نظام مالیاتی و جلوگیری از فرار مالیات و تلاش برای افزایش سهم درآمدهای دولت از مالیات.
- ۳- توجه جدی به مقوله بیکاری و اتخاذ سیاست‌های مناسب اشتغال‌زا جهت کاهش آن.
- ۴- برنامه ریزی مناسب جهت رشد و توسعه اقتصادی و بهبود وضعیت اقتصادی اقشار جامعه.
- ۵- اجرای سیاست‌های کاهش تورم که به نوبه خود سبب توزیع عادلانه درآمد و کاهش نابرابری درآمدی می‌گردد.



## منابع

- آکرمن، سوزان، (۱۹۹۹). **فساد و دولت، علت‌ها، پیامدها و اصلاح**. ترجمه علی صبوری، نشر و پژوهش شیرازه، چاپ اول.
- ابریشمی، حمید؛ محسن مهرآرا و پریسا خطابخش (۱۳۸۴). **بررسی رابطه رشد و توزیع درآمد در ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی/ایران**، سال هفتم شماره ۲۸.
- اشرف زاده، حمیدرضا و نادر مهرگان، (۱۳۸۷). **اقتصاد سنجی پانل دیتا**. موسسه تحقیقات تعاون دانشگاه تهران.
- دادگر، حسن (۱۳۸۳). **رویکرد اقتصادی به شیوع فساد مالی در کشور**، *مجله اقتصاد اسلامی*، شماره ۱۱، ص ۹۷-۱۱۶.
- دادگر، حسن و غلام‌علی معصومی‌نیا، (۱۳۸۳). **فساد مالی، تهران، کانون اندیشه جوان**، ۱۳۸۳، چاپ اول. زال‌پور، غلامرضا، فرهاد رهبر و فضل‌الله میرزاوند، (۱۳۸۱). **بازشناسی عارضه فساد مالی، ماهیت، گونه‌ها، پیامدها و آموزه‌های تجربی**، چاپ اول، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، **گزارش توسعه جهانی سال ۲۰۰۲ بانک جهانی**.
- صامتی، مرتضی؛ روح‌الله شهنازی، و زهرا دهقانی شبانی، (۱۳۸۵). **بررسی اثر آزادسازی مالی بر فساد مالی**، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی/ایران، سال هشتم، شماره ۲۸، صص ۸۷ تا ۱۰۵.
- صادقی، حسین؛ مجید صباغ کرمانی و وحید شقاقی شهری، (۱۳۸۷). **بررسی اثرات تمرکز زدایی بر کنترل فساد مالی**، *تحقیقات اقتصادی*، شماره ۸۵، زمستان.
- علیزاده ثانی، محسن و علی اصغر فانی، (۱۳۸۶). **تأثیر فساد اداری بر توسعه انسانی جوامع**، *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، سال دوم، شماره‌های ۱ و ۲، صص ۱۷.
- قلی‌پور، رحمت، (۱۳۸۴). **تحلیل رابطه حکمرانی خوب و فساد اداری**، فرهنگ مدیریت، سال سوم، شماره دهم.
- موسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد، (۱۳۸۵). **فساد مالی و اقتصادی (ریشه‌ها، پیامدها، پیشگیری و مقابله)**،

ج ۱

- Ades, A. and Rafael D. T, (1996). **Causes and Consequences of Corruption: A Review of Empirical Contributions**, IDS Bulletin, vol.27, no.2, April 1996, pp.6-11.
- Aidt, S.T., (2003). **Economic analysis of corruption: a survey**, *Economic Journal*,113(491), pp. 52-632.
- Akai, Nobuo.(2005).**Short-run and Long-run Effects of Corruption on Economic Growth, Evidence from State-Level Cross-Section Data for the United States**, The paper presented at the Bi-Annual Meeting of the Japanese Economic Association at Kyōto Sangyō University, 4-5 June 2005.
- Alesina, A and Beatrice W. (1999). **Do Corrupt Governments Receive Less Foreign Aid?** NBER Working Paper No.7108 .
- Bardhan, P (1997). **Corruption and Development: A Review of Issue**, *Journal of Economic Literature*, vol.35, pp.1320-1346.
- Barreto, Raul A. (2000). **Endogenous corruption in a neoclassical growth model**, *European Economic Review*, 44 pp. 35-60.
- Barro, R. J. (1991). **Economic growth in a cross section of countries**, *Quarterly Journal Economic*, 106, 407-444.
- Baumol, W.J. (1990). **Entrepreneurship: Productive, Unproductive, and Destructive**, *Journal of Political Economy*, 98(5), pp. 893-921.
- Beck, P. and Maher, M.W. (1986). A Comparison of Bribery and Bidding in Thin Markets. *Economics Letters*, vol20, 1-5.
- Bigsten, A & Moene, K O,(1996). **Growth and Rent Dissipation: The Case of Kenya**, *Journal of African Economies*, vol.5, no.2, pp.177-198.
- Benhabib, J and Mark M.(1994). **The Role of Human Cpital in Economic Development :Evidence from Aggregate Cross-Country Data**, *Jornal of Monetary Economics*, 34 pp 143-173.
- Blackburn, K., Ragchaasuren, G. (2003). **Growth, volatility and learning**. *Economics Letters*, vol. 79(3), PP.417-421.
- Domar, E. D. (1946). **Capital expansion, rate of growth and employment**. *Econometrica*, Volume 14, Issue 2.
- Gupta, S. Davoodi, Hamid & Alonso-Terme, Rosa, (1998). **Does Corruption Affect Income Inequality and Poverty?** *Economics of Governance*, VOL.3, PP 23-45.
- Gradsteen, H.(2007). **Education study in political Economy**, *Journal of Political Economy*, 93(4), pp.81-760.





- Hall, R. E., & Jones, C. (1999). **Why Do Some Countries Produce so Much More Output Per Worker than Others?**, *Quarterly Journal of Economics* 114(1), pp.83-116.
- Harrod, R. F. (1939). **An essay in dynamic theory**. *The Economic Journal*, Vol 49, No. 193, pp. 14-33
- Jong,sung & khagram.(2005). **A comparative study of Inequality and Corruption**. *Amerian sociological Review*, 10(1),pp, 136-157.
- Kaufmann, Daniel & Shang-Jin Wei, (1999). **Does 'Grease Money Speed Up the Wheels of Commerce?** National Bureau of Economic Research (NBER) Working Paper No. 7093, pp 50-148.
- Kuznets, simon.(1955). **Economic Growth and Income Inequality**, *American Economic Review* 45. 1-28.
- Leff, N.(1964). **Economic Development Through Bureaucratic Corruption**, *American Behavioral Scientist*, 8(2), pp.8-14.
- Lien, D.D.,(1986). **A note on competitive bribery games**, *Economics Letters*,22(4), pp. 41-377.
- Lui, F.T.(1985). **An Equilibrium Queuing Model of Bribery**, *Journal of Political Economy*, 93(4), pp.81-760.
- Lui, Francis, T (1986). **A Dynamic Model of Corruption Deterrence**, *Journal of Public Economics*, Vol. 31, pp. 125-236.
- Lucas, R. E. (1988). **On the mechanics of economic development**, *Journal of Monetary Economics*, 22, 3-42.
- Mauro, P. (1995). **Corruption and Growth**, *Quarterly Journal of Economics*,110(3), pp. 681-712.
- Murphy, K.M., Shleifer, A., Vishny, R.W. (1991). **The Allocation of Talent:Implications for Growth**, *Quarterly Journal of Economics*, 106(2), pp.503-530.
- Romer, P. M. (1986). **Increasing returns and long run growth**. *Jornal of political Economy*, 94:1002-1037.
- Rose-Akerman,Rose.(1978). **Corruption a study in political Economy**. *American political science Review*, Vol.61, No.2, pp.417-427.
- Shleifer,A. and R.Vishny.(1993). **Corruption**, *Quarterly Journal of Economics*, 108, pp. 599-617.
- Solow, R. M. (1956). **A contribution to the theory of economic growth**, *Quarterly Journal of Economics*, 70,pp.65-94.
- Ternavski,F. (2002). **Size and Measurment of Informal Economy in 110 countris**, Around the world NBER working pp.65-77.

- Tanzi, V. (1998). **Corruption around the world: causes, consequences, scope, and cures**, IMF Staff Papers, 45(4), pp.94-599.
- World bank. (2013). **The world wide Governance Indicators**.
- Todaroo, A.and R.Perott, (1998). **Income Distribution, political Instability and Investment**, *European Economic Review*, 40960, pp1203-1228.

Archive of SID





## **The Effects of Corruption on Economic Inequality Income Distribution**

*Mehdi Adib Pour, Azadeh Mohammadi Viaee*

**Received:** 3 November 2015

**Accepted:** 28 August 2016

One of main objectives of all governments and policy makers is to improve income distribution while decreasing income inequalities. The present paper aims at studying the effects of economic corruption on the Gini coefficient, as an indicator of income distribution. To fulfill our goal, two groups of countries were selected as our research targets: five-high income countries (Germany, France, Italy, Canada, and Japan) and five medium-income countries (Iran, Turkey, India, Malaysia and china). Adopting a panel data model analyzing the period covering 2000- 2012, we found out that economic corruption has a significant effect on Gini coefficient: in both target groups, a higher level of corruption translated into higher income inequality. Besides, we found that improved levels of economic growth left a negative effect on income distribution in high-income countries and a positive effect on medium-income countries. Another conclusion we reached was that tax revenues had a negative effect on income inequality. And finally we found that unemployment increased income inequality in both target groups.

**JEL Classification:** O11, O55, K42.

**Keywords:** *Corruption; Distribution income; Inequality.*